

## واکاوی مولفه های اجتماعی تاثیر گذار در نحوه چیدمان فضایی معماری خانه های بومی روستاهای شهرستان سراب

محمد گل محمدی<sup>۱</sup>، محمد عدالت خواه<sup>۲\*</sup>، اکبر عبدالله زاده طرف<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری معماری، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران

<sup>۲</sup> گروه معماری، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران

<sup>۳</sup> گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۰۹

### چکیده

مطالعه حاضر طبق روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با هدف کاربردی-توسعه ای نوشته شده است. پس از تجزیه و تحلیل آماری و کمی برای شناسایی استراتژی ها، از روش کیفی مطابق با روش زنجیره - ترکیبی استفاده شد. مطالعات میدانی با مصاحبه های هدفمند، تهیه برنامه ها و تصویربرداری انجام شد. پرسشنامه محقق ساخته در دو مرحله به جامعه آماری ارسال شد. پس از جمع آوری پرسشنامه ها، با استفاده از تکنیک دلفی فازی، در دو مرحله تأیید شد. سپس با مدلسازی معادلات ساختاری در نرم افزار SmartPLS، اهمیت معیارها تأیید شد. سپس با استفاده از مدل BWM، معیارها در نرم افزار SPSS و Matlab رتبه بندی شدند. در نتیجه، ضریب امنیتی با نمره ۰/۴۳۶ رتبه اول، ضریب حفظ حریم فضایی با نمره ۰/۳۲۱ رتبه دوم و وجود امکانات لازم برای تعاملات اجتماعی با امتیاز ۰/۲۴۳ در رتبه سوم قرار گرفت.

کلمات کلیدی: خانه های بومی، مولفه های اجتماعی، چیدمان فضایی معماری، روستا، شهرستان سراب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

در گذشته فرهنگ و جامعه از یک طرف و معماری ایرانی از طرف دیگر از یکدیگر جدا نبودند و معماری از جامعه و فرهنگ مردمان نشأت می گرفت. درون گرایی، محرمیت، پیوند با طبیعت، هندسه، تناسبات و اندازه های بکار رفته، شفافیت و تداوم، تعادل و توازن، راز و ابهام بکار رفته در ابنیه، همه به نوعی بیانگر فرهنگ خانواده های ایرانی و اسلامی ساکن در آن بناها بود. با سرعت گرفتن روند جهانی شدن، تصویر عمومی بسیاری از ساختارهای معماری، خصوصا در کلان شهرها به سمت نوعی شباهت و یکنواختی در شکل و محتوا سوق داده شده است. به صورتی که این ساخت و سازها بیش از اینکه در هماهنگی با بستر محلی، فرهنگی و ارزش های آن باشند، به نمونه های مشابه خود در اقصی نقاط دنیا شباهت دارند (سخنی نیا و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۱۰). فرهنگ ها و جامعه به عنوان بخشی از اثرگذاری بر تمام جنبه های زندگی فردی و اجتماعی، از جامعه ای به جامعه دیگر و از شهری به شهر دیگر قابل انتقال اند. فرهنگ بر معماری و ساختار کالبدی شهری که نمودار سیستم ارزشی حاکم است تاثیر گذارده و به آن فرم می دهد و از سوی دیگر فرهنگ به گونه ای غیرمستقیم یکی از پایه های اصلی زندگانی روانی انسانها است (یاوو آیلون\*، ۲۰۲۰، ص ۲). همیشه شکل خانه به وسیله عوامل اقلیمی مشخص نمی گردد بلکه شیوه زندگی و نحوه معیشت مردم به راه حل های عقلانی برای ساخت بنا منجر می گردد. در هرکجای دنیا، که بخشی از مردم را مشغول زندگی جمعی می بینیم، قواعدی برای ساخت و استفاده از فضا نیز می یابیم. برخی از این قواعد از عرف اجتماعی نشأت گرفته و بخش دیگر بازتاب نیازها و ویژگی های فرهنگی و روانی مردم است (بمانیان، ۱۳۹۶، ص ۵۴ و ۵۶).

## بیان مساله

معماری روستاهای شهرستان سراب در گذر زمان به آرامی تکامل یافته و دارای مؤلفه ها و مبانی نظری مرتبط با ساختاری مختص خود می باشد. نکته حائز اهمیت، تفاوت بنیادی در اصول و مبانی نظری معماری کوهستانی شمال-غرب ایران با معماری درونگرا می باشد. ساختار معماری کشورمان در دو قرن اخیر، به واسطه ارتباط ناهنجار با معماری غربی، هویت خود را از دست داده، ولی معماری ناحیه کوهستانی (منطقه پژوهش) از گزند تهاجم تفکرات به اصطلاح وارداتی، تا حدودی مصون مانده و بررسی های انجام شده، حاکی از اصالت و بکر بودن نسبی این معماری دارد. لذا پژوهش در پی پاسخگویی به این سوال است که در روستاهای شهرستان سراب عوامل اجتماعی موثر در نحوه چیدمان فضایی معماری خانه های بومی کدامند؟ و کدام مولفه تاثیر بیشتری دارد؟ و چه نمودی در معماری بومی دارد؟

## مبانی نظری و ادبیات پژوهش

معماری بومی با آنکه در طول تاریخ دست خوش پدیده های دگرگون کننده بوده است اما به خوبی توانسته هویت ویژه خود را حفظ کند. در برخورد با مجموعه های معماری، تاثیرات محیط طبیعی و فرهنگی، به گونه ای متجلی می شود که می تواند مصداق خوبی برای پایداری در زمان و مکان خودشان باشد (ارمغان و گرجی مهلبانی، ۱۳۸۸، ص ۲۱). معماری بومی در برگیرنده سرپناه ها و دیگر ساختمانهای مردم می باشد که در ارتباط با زمینه های محیطی و منابع دردسترس، معمولا توسط جامعه با استفاده از تکنولوژیهای سنتی ساخته میشوند. همه فرمهای معماری بومی به منظور پاسخگویی به نیازهای خاص، ساخته می شوند و در برگیرنده ارزشها، اقتصاد و انواع زندگی و فرهنگهایی

\* Yavo-Ayalon, S.

هستند که به آنها شکل میدهند. این معماریها ممکن است در طول زمان با تغییر نیازها و شرایط محیطی، سازگار شوند و توسعه یابند (آسکویت و ولینگا\*، ۲۰۰۶، ص ۲۶). بدین سبب بنای بومی بر خلاف بناهای صاحب سبک، امکان تحمل تغییرات و توسعه را دارد. به جای اینکه بناهای بومی خود را از طریق اجرای شان مشخص بنمایند، به وسیله مهم‌ترین و با معناترین روابط موجود میان عناصر تشکیل‌دهنده آنها و روش رسیدن به این روابط مشخص می‌شوند (راپاپورت<sup>‡</sup>، ۱۳۸۸، ص ۱۷). بین معماری بومی و نحوه گویش‌های محلی که وجه تمایز هر گروه و جمعیت انسانی است، خویشاوندی بسیاری وجود دارد قطعا یکی از خصیصه‌های اصلی معماری بومی تبلور شخصیت فرد تا حد غایت آنست. اینجا اشاره به گویش‌های محلی که معرف گروه و جامعه انسانی خاصی می‌باشند، خالی از فایده نیست (آلپاگونولو<sup>‡</sup> و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۲۶). با بررسی عوامل اجتماعی و فیزیکی در کنار عوامل اکولوژیکی، اقلیمی، مصالح موجود، دانش فنی و نقش اقتصاد با این نتیجه می‌رسیم که این عوامل بیش از آنکه عوامل تعریف‌کننده معماری و ساخت باشند، در حقیقت بیشتر محدودیتهای معماری و ساخت تلقی می‌شوند» (آلیور، ۱۹۹۷، ص ۶-۷).

نظریه راپاپورت در بخش نگرش فرهنگی به معماری، به دنبال نسبت دادن شکل بنا به نیازهای فرهنگی است از نظر راپاپورت، مهمترین معیار خوانش کالبد بنا، شیوه زندگی است (بیتس و پلاگ، ۱۳۹۰، ص ۳۷). بین فرهنگ جامعه با نحوه شکل‌گیری بناها ارتباط مسقیمی وجود دارد که در کالبد فضایی مسکن نمود بیشتری پیدا می‌کند (یاران و بهرو، ۱۳۹۶، ص ۱۰۴). تعاملات اجتماعی مردم روستا از یکسو، متأثر از شرایط طبیعی و از سوی دیگر، بر خصوصیات اقتصادی و کنشهای معیشتی استوار بوده، که خود یکی از عوامل هماهنگی کنشهای اجتماعی است و موجب انسجام روابط اجتماعی و فرهنگی ساکنان روستا می‌شود. (خاکپور و عشقی، ۱۳۹۳، ص ۱۸). خوانش و فهم ویژگی‌های شیوه زندگی بومی و سیستمهای فعالیت ناشی از آن بسیار مهم بوده چرا که آنها به ویژگیهای خاص استقرارها و محیطها انجامیده و دلایل تنوع آنها و در نتیجه ارتباط بین شیوه زندگی و محیط ساخته شده مصنوع را شرح می‌دهند. (مداحی و معاریان، ۱۳۹۷، ص ۸۲). تأثیر ویژگیهای اجتماعی - فرهنگی بر معماری و به ویژه بناهای مردمی غیر قابل انکار است. مسکن بومی که در زمره معماریهای مردمی است، باز نمود بیفصل فرهنگ است و همانطور که از ویژگیهای اجتماع سرچشمه میگیرد، بر آن نیز تأثیری قابل توجه داشته و در تولید و کسب فرهنگ نقش کلیدی دارد. معماری بومی نماد ملموس نیازها و ارزشهای جامعه و جهانی است. در این معماری ظهور شیوه‌های زندگی به شکل مادی آن به نمایش گذارده میشود؛ از بطن جامعه و درون هم‌زیستی انسانها نسج میگیرد و رفتارهای اجتماعی که مجموعه کنشهای متقابل میان افراد جامعه است و تعامل اجتماعی، یعنی رفتار آگاهانه افراد در برابر یکدیگر را ظاهر می‌سازد (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۳).

تمام عوامل تشکیل‌دهنده فرهنگ و محیط، در پیوند با الگوی سکونت قرار ندارند. پدیده‌های فرهنگی وقتی در طول زمان تداوم پیدا می‌کنند، تاریخ را شکل می‌دهند که بخشی از تاریخ را می‌توانیم تحت عنوان (سنت) قلمداد کنیم. بنابر این، خود زمان، انباشته‌ای از پدیده‌های فرهنگی را شکل می‌دهد که در دوران کهن نوعی حقانیت یا جاهت ایجاد می‌کرد» (سلطان‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۳۲).

s. Asquith, Lindsay &amp; Vellinga, Marcel.

‡. Rapoport, Amos.

‡. Alpaigo Novello, Adriano.

جدول ۱: مفاهیم موثر در بسط و بازشناسی رابطه معماری، فرهنگ و اجتماع (سلطان زاده، ۱۳۹۵)

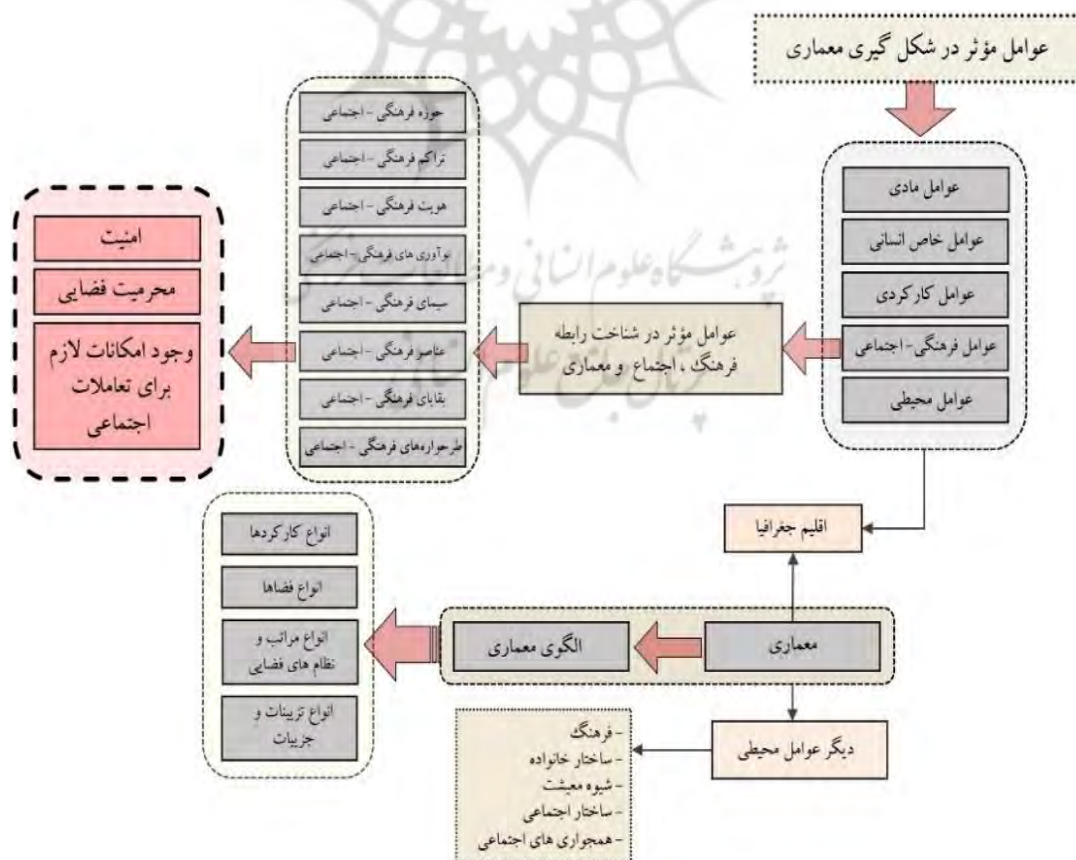
عوامل مادی	مصالح و مواد ساختمانی، امکانات و توانایی اقتصادی، فنون، ابزارها، تکنولوژی
محیطی	پدیده‌ها و خصوصیات محیط طبیعی، ویژگی‌ها و عناصر محلی موجود
کارکردی	عملکرد اصلی فضای معماری، عملکرد اصلی جانی
فرهنگی	جهان بینی و اعتقادات، آئین، تبدلات فرهنگی، سنت‌ها، ارزش‌ها و معیارهای رایج در جامعه، احکام و مقررات
عوامل خاص انسانی	اندیشه و توانایی‌ها، خصوصیات حیاتی، نیازها و خواسته‌های حاکمان یا استفاده‌کنندگان

مفاهیم موثر در بسط و بازشناسی رابطه معماری، فرهنگ و اجتماع را می‌توان مطابق جدول ۱ طبقه‌بندی کرد که از آن جمله سنت‌ها، پدیده‌ها و احکام آیینی و مذهبی، تبدلات فرهنگی، بین سرزمین‌های همجوار، مقررات و قواعد معماری و شهری، چگونگی آموزش معماری، الگوهای رفتاری خاص هر فعالیت و شکل‌های آرمانی فضا را می‌توان نام برد (سلطان‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۴۶-۴۵).

### چارچوب نظری پژوهش

بر اساس تمرکز بر مفهوم فرهنگ و اجتماع و گسترش آن می‌توان به این نتیجه رسید که مفاهیم فرهنگی در مظاهر ویژه خود در معماری حضور خواهند یافت و به عبارتی ارتباط بین دو مقوله فرهنگ و معماری به واسطه اندیشه، مکتب، تعالی زمانی، عرصه اجتماعی و زبان محرز می‌گردد. بنابر این معماری بومی با توجه به تعریفش ریشه‌هایی در فرهنگ بومی دارد. با عنایت به موارد گفته شده مدل نظری پژوهش را می‌توان به صورت شکل ۱ جمع‌بندی نمود.

شکل ۱ مدل نظری پژوهش (مرجع: نگارنده)



## روش تحقیق

پژوهش حاضر براساس روش انجام تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد و در روش‌شناسی از روش ترکیبی - زنجیره‌ای استفاده شده است. پس از انجام تحلیل‌های آماری و کمی در نهایت برای تدوین و شناسایی استراتژی‌ها و راهبردها از روش کیفی استفاده شده، که مطابق با فرآیند روش ترکیبی - زنجیره‌ای می‌باشد. در آغاز کار، در مرحله گردآوری اطلاعات، مطالعه ادبیات نظری پژوهش، امکان تعریف مسأله را به وجود آورد، برای تعریف مفاهیم و پیشینه تحقیق، کتب، مقالات و رساله‌های موجود در این زمینه مورد مطالعه قرار گرفت. در حوزه مطالعات میدانی، پس از شناسایی معیارها و زیرمعیارهای خروجی از مرحله مطالعات، داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز با مصاحبه‌های هدفمند و تهیه پلانها و تصاویر مرتبط، در حوزه روستایی شهرستان سراب گردآوری شد، جامعه آماری پژوهش، شامل اساتید و کارشناسان میراث فرهنگی و متخصصین در حوزه معماری بومی و مرمت، در حوزه روستایی می‌باشد. سپس اقدام به تهیه پرسشنامه محقق ساخته گردید، و به ۱۰۰ نفر از جامعه آماری پژوهش، ارسال گردید، که خوشبختانه ۷۰ نفر جوابگو بودند، پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، برای بررسی نظر کارشناسان از تکنیک دلفی فازی\* استفاده شد. مزیت روش دلفی فازی در توجه به هر یک از نظرات و یکپارچه نمودن آنها برای دستیابی به توافق گروهی است. بر اساس داده‌های خروجی از پرسشنامه میانگین معیارها و زیرمعیارها در مرحله اول فازی زدایی شد، و به منظور تعیین حجم نمونه پژوهش، از روش هدفمند قضاوتی استفاده شد و حجم نمونه ۲۵ نفر تعیین گردید، و پرسشنامه مجدداً به حجم نمونه، ارسال شد. پس از جمع‌آوری، میانگین معیارها و زیرمعیارها در مرحله دوم نیز فازی زدایی شد، و خوشبختانه به تایید رسید، سپس با مدلسازی معادلات ساختاری در محیط نرم افزار SmartPLS - معناداری معیارها تایید شد، سپس با مدل BWM<sup>†</sup>، در محیط نرم افزارهای spss و matlab رتبه‌بندی شد، در ادامه برای تحلیل داده‌ها بر روی ساختمانها که شامل ۱۰۰ پلان معماری از خانه‌های بومی روستایی شهرستان سراب بود، به صورت هدفمند ۱۰ پلان انتخاب شد. برای اندازه‌گیری پایایی، آلفای کرونباخ، که معیاری کلاسیک برای سنجش پایایی و سنجش‌ای مناسب برای ارزیابی پایداری درونی<sup>‡</sup> (سازگاری درونی) می‌باشد، محاسبه شد. مقدار این شاخص برای پژوهش حاضر ۰/۷۸۵ گردید.

ماهیت پژوهش، نمونه‌ی موردی می‌باشد روایی آن صرفاً در محدوده جغرافیای مورد نظر قابل بحث و تعمیم است. بنابراین اعتبار بیرونی آن برای مناطق دیگر به شرط انجام مجدد معتبر می‌باشد.

پژوهش حاضر دارای محدودیتهایی از جمله کیفیت همکاری ساکنین برای رسیدن به داده‌های صحیح، که گروه پژوهشی بایستی ترکیبی از پژوهشگران خانم و آقا باشد و مستلزم همراهی فرمانداری، بخشدارها، دهیارها و سازمانهای ذیربط برای توجیه و محیاکردن شرایط و نامه‌نگاریها و مجوزهای لازم برای تسهیل شرایط، تا و داده‌ها در مطالعات میدانی دقیقتر و سریعتر حاصل شود، ضمناً با توجه به سردسیری منطقه، فصول گرم برای این امر در نظر گرفته شود.

## تعاریف عملیاتی متغیرها

معیارهای و زیرمعیارهای اجتماعی موثر در نحوه چیدمان فضایی معماری خانه‌های بومی روستاهای شهرستان سراب

\* Fuzzy Delphi Technique.

†. Best-Worst Method.

3. Internal Consistency.

، با مطالعه ادبیات نظری و مصاحبه با کارشناسان، متخصصین و اساتید دانشگاه، به شرح جدول ۲ به دست آمد.

جدول ۲: معیار و زیرمعیارهای شناسایی شده پژوهش (مرجع: نگارنده)

معیار	زیرمعیار
امنیت	موقعیت خانه در کوچه
	روشنایی فضایی خانه
	خوانایی فضاهای خانه
	غریب‌گز بودن ورودی خانه
	رعایت سلسله مراتب فضایی خانه
محرمیت فضایی	انسداد دید در کالبد فضا با بهره‌گیری از عوامل مصنوع و طبیعی
	چیدمان درون‌گرایانه در طراحی فضاهای خانه
	وجود حداقل بازشو به فضاهای عمومی
	تفکیک عرصه‌های عمومی، خصوصی و سلسله مراتب فضایی
	تفکیک و جدا کردن فضاهای منازل
وجود امکانات لازم برای تعاملات اجتماعی	وجود قرارگاه‌های رفتاری در واحد همسایگی (پاتوق‌ها)
	فراهم کردن آسایش محیطی با استفاده از عوامل طبیعی و مصنوع (سایه‌گیری و ...)
	افزایش ماندگاری در فضا با تمهیدات ساختاری مانند ایجاد پیرنشین، میلمان و ...
	وجود فضای هشتی در محل ورودی

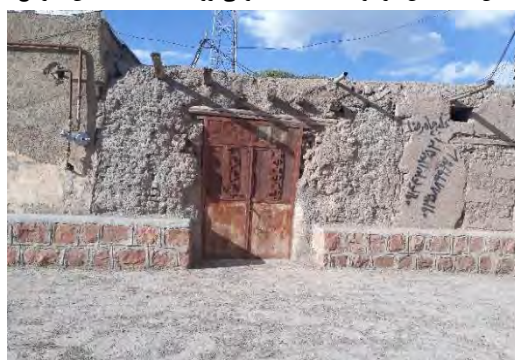
نمونه های موردی از زیرمعیارهای اجتماعی تاثیرگذار در نحوه چیدمان فضایی معماری بناهای بومی روستاهای شهرستان سراب در شکل های ۲ الی ۱۲ آورده شده است.



شکل ۳: افزایش ماندگاری در فضا (روستای اسفستان) مرجع: نگارنده



شکل ۲: حداقل بازشو به فضاهای عمومی (روستای جلد باخان) مرجع: نگارنده







شکل ۵: قرارگاه های رفتاری (روستای میرکوه) مرجع: نگارنده



شکل ۴: فراهم کردن آسایش محیطی (روستای جهیزدان) مرجع: نگارنده

شکل ۷: افزایش ماندگاری در فضا (روستای جهیزدان) مرجع: نگارنده

شکل ۶: قرارگاه های رفتاری (روستای طاران) مرجع: نگارنده



شکل ۸: فضای هشتی در ورودی (روستای حسنجان) شکل ۹: افزایش ماندگاری در فضا (روستای مهین) شکل ۱۰: موقعیت خانه در کوچه (روستای سهزاب)



شکل ۱۲: قرارگاه های رفتاری (روستای فرگوش) مرجع: نگارنده

شکل ۱۱: حداقل بازشو به فضاهای عمومی (روستای سهزاب) مرجع: نگارنده

### روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها به دو روش توصیفی و استنباطی انجام شد. به منظور شناسایی مولفه‌های اجتماعی تاثیرگذار در نحوه چیدمان فضایی معماری خانه‌های بومی روستاهای شهرستان سراب از تکنیک دلفی فازی استفاده شد. معناداری مولفه‌ها با مدل‌سازی معادلات ساختاری در محیط نرم افزار SmartPLS تایید شد، سپس با مدل BWM، در محیط نرم افزارهای spss و matlab رتبه‌بندی شد.

### یافته‌ها

پس از شناسایی و نهایی شدن معیارها و زیرمعیارها اقدام به تهیه پرسشنامه شد و در اختیار نمونه آماری پژوهش قرار داده شد. دور اول و دوم تکنیک دلفی فازی پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های پژوهش به پایان رسید و نتایج میانگین

فازی زدایی شده بدست آمده برای معیارهای پژوهش در دور اول و دوم به شرح جدول ۳ به دست آمد.

جدول ۳: نتایج حاصل از دور اول و دوم دلفی فازی پژوهش (مرجع: نگارنده)

معیار	زیرمعیار	میانگین فازی مرحله اول	میانگین فازی شده مرحله اول	میانگین فازی مرحله دوم	میانگین فازی شده مرحله دوم	اختلاف میانگین
امنیت	موقعیت خانه در کوچه	(۰/۳۶,۰/۸۶,۱)	۰/۷۴	(۰/۳۲,۰/۸,۰/۹۸)	۰/۷۰	۰/۰۴
	روشنایی فضایی خانه	(۰/۲۵,۰/۶۹,۰/۹۵)	۰/۶۳	(۰/۴۷,۰/۷۹,۰/۹۹)	۰/۷۵	۰/۱۲
	خوانایی فضاهای خانه	(۰/۴۴,۰/۹۳,۱)	۰/۷۹	(۰/۳۱,۰/۹۱,۱)	۰/۷۴	۰/۰۵
	غریب‌گز بودن ورودی خانه	(۰/۳۵,۰/۸,۰/۹۵)	۰/۷۰	(۰/۴۳,۰/۷۸,۰/۹۵)	۰/۷۲	۰/۰۲
	رعایت سلسله مراتب فضایی خانه	(۰/۵۶,۰/۷۴,۰/۸۹)	۰/۷۳	(۰/۶۵,۰/۸۶,۰/۹۸)	۰/۸۳	۰/۱۰
محرمت فضایی	انسداد دید در کالبد فضا با بهره‌گیری از عوامل مصنوعی و طبیعی	(۰/۴۶,۰/۸۱,۰/۹۸)	۰/۷۵	(۰/۵۸,۰/۸۵,۰/۹۴)	۰/۷۹	۰/۰۴
	چیدمان درون‌گرایانه در طراحی فضاهای خانه	(۰/۳۳,۰/۷۶,۰/۹۸)	۰/۶۹	(۰/۴۸,۰/۷۷,۱)	۰/۷۵	۰/۰۶
	وجود حداقل بازشو به فضاهای عمومی	(۰/۳۱,۰/۷۳,۰/۹۱)	۰/۶۵	(۰/۴۳,۰/۷۸,۰/۹۲)	۰/۷۱	۰/۰۶
	تفکیک عرصه‌های عمومی، خصوصی و سلسله مراتب فضایی	(۰/۲۴,۰/۷,۰/۹۵)	۰/۶۳	(۰/۳۹,۰/۷۳,۰/۹۸)	۰/۷۰	۰/۰۷
وجود امکانات لازم برای تعاملات اجتماعی	وجود قرارگاهای رفتاری در واحد همسایگی (باتوق‌ها)	(۰/۲۳,۰/۶۸,۰/۹۵)	۰/۶۲	(۰/۳۷,۰/۷۵,۰/۹۸)	۰/۷۰	۰/۰۸
	فراهم کردن آسایش محیطی با استفاده از عوامل طبیعی و مصنوعی (سایه‌گیری و ...)	(۰/۳۷,۰/۸۴,۰/۹۵)	۰/۷۲	(۰/۴۵,۰/۸۲,۰/۹۸)	۰/۷۵	۰/۰۳
	افزایش ماندگاری در فضا با تمهیدات ساختاری مانند ایجاد پیرنشین، مبلمان و ...	(۰/۳,۰/۷۱,۰/۹۱)	۰/۶۴	(۰/۳۹,۰/۸,۱)	۰/۷۳	۰/۰۹
	وجود فضای هشتی در محل ورودی	(۰/۲۶,۰/۷,۰/۹۳)	۰/۶۳	(۰/۳۶,۰/۷۸,۰/۹۶)	۰/۷۰	۰/۰۷

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۳ و اینکه اختلاف نظرات خبرگان درخصوص کلیه سوالات، طی دو مرحله اجرای دلفی، کمتر از ۰/۱۵ شده است می‌توان نتیجه گرفت اجماع کافی بین خبرگان حاصل شده است. بنابراین اجرای تکنیک دلفی فازی متوقف می‌گردد، و با توجه به اینکه مقدار میانگین فازی زدایی شده زیرمعیارهای مربوط به هرکدام از معیارها بیشتر از ۰/۷ می‌باشد از این رو تمامی معیارهای شناسایی شده پژوهش مورد تایید قرار گرفت.

به منظور اولویت‌بندی و رتبه‌بندی از نظر میزان تاثیر مولفه‌های اجتماعی در نحوه چیدمان فضایی معماری خانه‌های بومی روستاهای شهرستان سراب از مدل BWM استفاده شد، و پرسشنامه مبنی بر انتخاب بهترین و بدترین عامل به کارشناسان ارسال و معیارها به ترتیب به عنوان بهترین و بدترین معیار انتخاب شدند. سپس پرسشنامه‌ی دیگر شامل جداول مقایسه‌ی بهترین با سایر معیارها و سایر معیارها با بدترین به کارشناسان ارسال شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها در نرم افزار matlab و spss، گزاره‌ها و قیود مختلف، برنامه‌نویسی شد. پس از انجام این مراحل اوزان نهایی معیارها و زیرمعیارهای اجتماعی تاثیرگذار در نحوه چیدمان فضایی معماری خانه‌های بومی روستاهای شهرستان سراب، مطابق جدول ۴ بدست آمد.



جدول ۴: اوزان نهایی معیارها و زیرمعیارهای اجتماعی در مدل (BWM) پژوهش (مرجع: نگارنده)

وزن زیرمعیارها	زیرمعیار	امتیاز معیارها	معیار
۰/۳۲۱	موقعیت خانه در کوچه	۰/۴۳۶	امنیت
۰/۲۴۸	روشنایی فضایی خانه		
۰/۱۶۷	خوانایی فضاهای خانه		
۰/۱۵۶	غریب‌گز بودن ورودی خانه		
۰/۱۰۸	رعایت سلسله مراتب فضایی خانه		
۰/۳۴۵	انسداد دید در کالبد فضا با بهره‌گیری از عوامل مصنوع و طبیعی	۰/۳۲۱	محرمیت فضایی
۰/۲۸۲	چیدمان درون‌گرایانه در طراحی فضاهای خانه		
۰/۲۵۷	وجود حداقل باز شو به فضاهای عمومی		
۰/۱۱۶	تفکیک عرصه‌های عمومی، خصوصی و سلسله مراتب فضایی		
۰/۳۸۳	وجود قرارگاه‌های رفتاری در واحد همسایگی (پاتوق‌ها)	۰/۲۴۳	وجود امکانات لازم برای تعاملات اجتماعی
۰/۲۴۶	فراهم کردن آسایش محیطی با استفاده از عوامل طبیعی و مصنوع (سایه‌گیری و ...)		
۰/۲۳۴	افزایش ماندگاری در فضا با تمهیدات ساختاری مانند ایجاد پیرنشین، مبلمان و ...		
۰/۱۱۹	وجود فضای هشتی در محل ورودی		

با عنایت به نتایج مندرج در جدول ۴ از بین عوامل اصلی شناسایی شده عامل امنیت با امتیاز نهایی ۰/۴۳۶ در رتبه اول، عامل محرمیت فضایی با امتیاز نهایی ۰/۳۲۱ در رتبه دوم، عامل وجود امکانات لازم برای تعاملات اجتماعی با امتیاز نهایی ۰/۲۴۳ در رتبه سوم جای گرفته است. نتایج حاصل از رتبه‌بندی هریک از زیرعاملها حاکی از آن است که: در ارتباط با عامل امنیت از بین زیرعاملها، موقعیت خانه در کوچه با امتیاز نهایی ۰/۳۲۱ در رتبه اول، روشنایی فضایی خانه با امتیاز نهایی ۰/۲۴۸ در رتبه دوم، خوانایی فضاهای خانه با امتیاز نهایی ۰/۱۶۷ در رتبه سوم، غریب‌گز بودن ورودی خانه با امتیاز نهایی ۰/۱۵۶ در رتبه چهارم و رعایت سلسله مراتب فضایی خانه با امتیاز نهایی ۰/۱۰۸ در رتبه پنجم قرار گرفت.

در ارتباط با عامل محرمیت فضایی از بین زیرعاملها، انسداد دید در کالبد فضا با بهره‌گیری از عوامل مصنوع و طبیعی با امتیاز نهایی ۰/۳۴۵ در رتبه اول، چیدمان درون‌گرایانه در طراحی فضاهای خانه با امتیاز نهایی ۰/۲۸۲ در رتبه دوم، وجود حداقل باز شو به فضاهای عمومی با امتیاز نهایی ۰/۲۵۷ در رتبه سوم، تفکیک عرصه‌های عمومی، خصوصی و سلسله مراتب فضایی با امتیاز نهایی ۰/۱۱۶ در رتبه چهارم قرار گرفت.






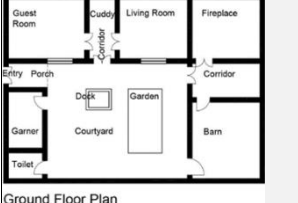
در ارتباط با عامل وجود امکانات لازم برای تعاملات اجتماعی از بین زیرعاملها، وجود قرارگاه‌های رفتاری در واحد همسایگی (پاتوق‌ها) با امتیاز نهایی ۰/۳۸۳ در رتبه اول، فراهم کردن آسایش محیطی با استفاده از عوامل طبیعی و مصنوع (سایه‌گیری و ...) با امتیاز نهایی ۰/۲۴۶ در رتبه دوم، افزایش ماندگاری در فضا با تمهیدات ساختاری مانند ایجاد پیرنشین، مبلمان و ... با امتیاز نهایی ۰/۲۳۴ در رتبه سوم، وجود فضای هشتی در محل ورودی با امتیاز نهایی ۰/۱۱۹ در رتبه چهارم قرار گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی پلان خانه های بومی روستاهای شهرستان سراب، نمود عینی معیارها و زیرمعیارهای تاثیرگذار شناسایی شده ی اجتماعی در نحوه چیدمان فضایی معماری خانه های بومی، در مورد معیار اصلی امنیت عبارت است از: رعایت سلسه مراتب فضایی از عمومی به خصوصی با ایجاد دالان، رعایت غریب گزی با تمهیدات ویژه برای افراد خانه و غریبه ها: مثل درب ورودی، مسیر ورودی، دالان و هشتی و هر گونه فضای تقسیم، تعبیه فضاهایی مثل اتاق خواب مهمان و حیاط بیرونی، خوانایی فضاها با سادگی در پلان، در مورد معیار اصلی وجود امکانات لازم برای تعاملات اجتماعی عبارت است از: تامین آسایش محیطی فضاها با استفاده از عوامل طبیعی و مصنوع (سایه گیری و ایجاد پیرنشین، مبلمان و...) و ایجاد بستری مناسب برای تعاملات بیشتر در جمع های خانوادگی و همسالان و جنسیتی و صنفی و ...، وجود حداقل بازشو به عرصه عمومی، وجود فضاهای عمومی (حیاط، اتاق مهمان و راهرو)، وجود عرصه های عمومی در مدخل ورودی بنا، افزایش ماندگاری در فضا با تمهیدات ساختاری مانند ایجاد پیرنشین، مبلمان و ...، در مورد معیار اصلی محرمیت فضایی عبارت است از: محصوریت کامل منزل و فضاها، چیدمان درون گرایانه و رو به حیاط، عدم وجود بازشو رو به بیرون، جدایی فضاهای داخل (غیر از آشپزخانه)، وجود هشتی در محل ورودی، تعبیه فضاهایی مثل اتاق خواب مهمان و حیاط بیرونی. نمود عینی معیارها و زیرمعیارهای شناسایی شده تاثیرگذار اجتماعی در نحوه چیدمان فضایی معماری خانه های بومی روستاهای شهرستان سراب در جدول ۵ آمده است.



جدول ۵: نمود عینی معیارها و زیرمعیارهای شناسایی شده تاثیرگذار اجتماعی در چیدمان فضایی معماری خانه‌های بومی روستاهای شهرستان سراب (مرجع: نگارنده)

نمونه پلان	امنیت	وجود امکانات لازم برای تعاملات اجتماعی	محرمیت فضایی
	<ul style="list-style-type: none"> <li>- سلسله مراتب فضایی.</li> <li>- غریب گز بودن (ورودی، دالان یا هشتی، اتاق مهمان).</li> <li>- خوانایی فضایی.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- آسایش محیطی فضاها.</li> <li>- وجود حداقل بازشو به عرصه عمومی.</li> <li>- وجود فضاها عمومی (حیاط، اتاق مهمان و راهرو).</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- محصوریت کامل منزل و فضاها.</li> <li>- جدایی کامل فضاها.</li> <li>- چیدمان درون‌گرایانه و رو به حیاط.</li> <li>- عدم وجود بازشو رو به بیرون.</li> </ul>
	<ul style="list-style-type: none"> <li>- رعایت سلسله مراتب.</li> <li>- غریب گز بودن (ورودی، راهرو، دالان یا هشتی، اتاق مهمان).</li> <li>- خوانایی (سادگی پلان).</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- آسایش محیطی فضاها.</li> <li>- انسداد بصری در دید به حیاط مرکزی.</li> <li>- وجود فضاها عمومی (حیاط، اتاق مهمان، راهرو).</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- محصوریت منزل.</li> <li>- جدایی فضاها داخل (غیر از آشپزخانه).</li> <li>- چیدمان درون‌گرایانه و رو به حیاط.</li> <li>- عدم وجود بازشو رو به بیرون.</li> </ul>
	<ul style="list-style-type: none"> <li>- سلسله مراتب فضایی از عمومی به خصوصی با ایجاد دالان.</li> <li>- غریب گزی.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تامین آسایش محیطی.</li> <li>- پلان درون‌گرایانه جهت ایجاد محرمیت.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- محصوریت کامل.</li> <li>- جدایی فضاها.</li> <li>- چیدمان درون‌گرایانه.</li> <li>- عدم دید به بیرون.</li> </ul>
	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ایجاد دالان برای رعایت سلسله مراتب فضایی و نتیجتاً ایجاد غریب‌گزی در ورودی.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- آسایش محیطی فضاها.</li> <li>- وجود عرصه‌های عمومی (حیاط).</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- محصوریت فضایی.</li> <li>- جدایی فضاها.</li> <li>- چیدمان درون‌گرایانه.</li> <li>- عدم دید به بیرون.</li> <li>- وجود هشتی در محل ورودی.</li> </ul>
	<ul style="list-style-type: none"> <li>- وجود انسداد در محور دید برای ایجاد محرمیت و سلسله مراتب فضایی.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- آسایش محیطی فضاها.</li> <li>- وجود عرصه‌های عمومی در مدخل ورودی بنا.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- محصوریت فضایی.</li> <li>- جدایی فضاها.</li> <li>- چیدمان درون‌گرایانه.</li> <li>- عدم دید به بیرون.</li> </ul>
	<ul style="list-style-type: none"> <li>- غریب گز بودن (دالان و اتاق مهمان).</li> <li>- سلسله مراتب (دالان).</li> <li>- خوانایی (سادگی پلان).</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- آسایش محیطی فضاها.</li> <li>- فضاها عمومی (حیاط و راهرو).</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- محصوریت فضایی.</li> <li>- چیدمان فضایی مناسب.</li> <li>- درون‌گرایی.</li> <li>- انسداد دید به حیاط خصوصی.</li> </ul>

پژوهشهای آینده در این حوزه می‌تواند به چندین حوزه کلی معطوف گردد.

- مسیر اول، معماری بومی در ابعاد مختلف شامل ابعاد فرهنگی و زیبایی شناختی، فرهنگی - اجتماعی، زیست محیطی، اقتصادی، تکنولوژی در فرایند ساخت، هر یک در تحقیقی جداگانه مورد تحلیل موشکافانه و دقیق قرار گیرد و اصول دقیقی در هر کدام از این ابعاد تبیین گردند.

- مسیر دوم، نقش محصولات تکنولوژیک و انتقال تکنولوژی سیستم‌های ساختمانی نوین در کشور (در سده اخیر) بر فرهنگ معماری کشور مورد تحلیل، آسیب‌شناسی و اصلاح قرار گیرند.
- در مسیر سوم، تحقیقات به حوزه بین رشته‌ای معماری و سایر علوم (پایه، انسانی و مهندسی) و نحوه ایجاد تعامل سازنده در این حوزه معطوف گردد.
- مسیر چهارم، درحوزه سازمانی، خلاءهای موجود درحوزه مدیریت فرهنگ بررسی و این ساختارها اصلاح گردد.

#### منابع:

۱. آلباگونولو، آدریانو و مهریار، محمد و ربویی، مصطفی و فلامکی، محمد منصور و دادخواه، مهیار و شریعت، آرمیدخت و اقبالی رحمان و صانعی سیامک. (۱۳۸۴). معماری بومی. ترجمه‌ی علیمحمد سادات افسری. تهران: نشر فضا.
۲. ارمغان، مریم و گرجی مهلبانی، یوسف، (۱۳۸۸)، ارزش‌های معماری بومی ایرانی در رابطه با رویکرد معماری پایدار، مسکن و محیط روستا، دوره ۲۸، شماره ۱۲۶، صفحات (۲۰-۳۵)، انتشارات پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران.
۳. بمانیان، محمدرضا و امینی، معصومه، (۱۳۹۶)، معماری اجتماعی؛ خانه ایرانی، انتشارات اول و آخر، تهران.
۴. بیتس، دانیل و پلاگ، فرد، (۱۳۹۰)، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.
۵. خاکپور، مژگان و عشقی صنعتی، حسام، (۱۳۹۳)، بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبدی روستاهای گیلان، مسکن و محیط روستا، دوره ۳۳، شماره ۱۴۸، صفحات (۳-۲۰) انتشارات پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران.
۶. خاکپور، مژگان و انصاری، مجتبی و شیخ مهدی، علی و طاووسی، محمود، (۱۳۹۴)، ویژگیهای اجتماعی - فرهنگی مسکن بومی، مسکن و محیط روستا، دوره ۳۴، شماره ۱۴۹، صفحات (۳-۱۴) انتشارات پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران.
۷. راپاپورت، آموس، (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی مسکن، ترجمه‌ی خسرو افضلیان، انتشارات حرفه هنرمند، تهران.
۸. سخی‌نیا، روشنگر و کرمی، اسلام و رفیعیان، مجتبی و جوان فروزنده، علی، (۱۳۹۸)، بررسی شاخص‌های کیفی پایداری فرهنگی در پیوند با شاخص‌های کمی تراکم کالبدی (مطالعه موردی: سه مجموعه مسکونی در کلانشهر تبریز)، دانش شهرسازی، دوره ۳، شماره ۳، صفحات (۱۳۰-۱۰۹)، انتشارات دانشگاه گیلان، رشت.
۹. سلطان‌زاده، حسین، (۱۳۹۵)، خانه در فرهنگ ایرانی (مفاهیم و بعضی از کاربردها)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۰. مداحی، سیدمهدی و معاریان، غلامحسین، (۱۳۹۷)، خوانش پیوند سازمان فضایی خانه و شیوه زندگی در معماری بومی (مطالعه موردی: شهر بُشروییه)، مسکن و محیط روستا، دوره ۳۷، شماره ۱۶۴، صفحات (۶۹-۸۴) انتشارات پژوهشکده سوانح طبیعی، تهران.
۱۱. یاران، علی و بهرو، حسین، (۱۳۹۶)، تاثیر فرهنگ و اخلاق اسلامی بر مسکن و کالبد فضایی خانه‌ها (نمونه موردی: خانه‌های عصر قاجار در شهر اردبیل)، پژوهش‌های معماری اسلامی، دوره ۵، شماره ۲، صفحات (۹۱-۱۰۷)، دانشگاه علم و صنعت، تهران.

**Sources:**

1. Asquith. L & Vellinga. M. 2006. Vernacular Architecture in the Twenty-First Century: Theory, Education and Practice. USA and Canada: Taylor and Francis Group.
2. Oliver, Paul. (1997). Encyclopedia of Vernacular Architecture of the World. New York: Cambridge University Press.
3. Yavo. A. Sh. & Alon. M. T. & Aharon. G. M. 2020. The shape of theatre in the city: A theoretical and methodological approach for analyzing artistic activity in urban space. Journal of Urban Affairs, (pp.1-20).

